

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه قیام حسینی

رقیه قموشی¹

چکیده

برای شناختن یک حادثه که معلول است ، هیچ راهی بهتر از شناخت علت آن نیست . می‌دانیم که وقتی انسان مستقیم روی شناخت حقیقی حرکت کند ، بدون اینکه پیرامون آن را مورد توجه قرار دهد و علت‌هایش را بشناسد ، اگر هم چیزی دستگیرش شود خیلی مختصر و ناچیز خواهد بود . پس بیایید ما که در عالم تشیع چنین حادثه ای داریم و حمایتگر آن حادثه شناخته شدیم و حسینی و عاشورایی نامیده می‌شویم این بحث را مفتنم بشماریم . بنابراین نه فقط خوب است بلکه ضرورت دارد که ما واقعا این حادثه را تا آن حدی که کار ما عقلانی باشد و به نتیجه ای برسد ، بررسی می‌کنیم . نخست باید این قضیه را به عنوان بدیهی‌ترین قضایای داستان بی‌نظیر نینوا بپذیریم که اقدام این شخصیت بزرگ الهی به شهادت ، آن هم در تلخ‌ترین نوعش ، نه به انگیزه اندوختن مال دنیا بوده است و نه برای تحصیل شهرت و نامجویی و نه برای انتقام شخصی یا جاه و مقام ، لذا انگیزه و علت منحصر شهادت نمی‌تواند جز دفاع از اسلام و احیای مجدد آن باشد . ما ، به بررسی دلایل و اهداف امام حسین علیه السلام از این قیام حماسی پرداختیم . در این مقاله ، ما در این حادثه به مسائل زیادی برمی‌خوریم در یک جا سخن از بیعت خواستن از امام حسین (ع) و امتناع امام از بیعت کردن ، در جای دیگر دعوت مردم کوفه و پذیرفتن امام این دعوت را ، در موضع دیگر امام به طور کلی بدون توجه به مسئله بیعت خواستن و امتناع از بیعت ، از اوضاع زمان و وضع حکومت وقت انتقاد می‌کند ، شیوع فساد را متذکر می‌شود ، تغییر ماهیت اسلام را یادآوری می‌کند ، جا به جا شدن حلال‌ها و حرام‌ها را بیان می‌نماید و می‌گوید : وظیفه یک مرد مسلمان این است که در مقابل چنین حوادثی ساکت نباشد . در این مقام می‌بینیم امام نه سخن از بیعت می‌رود و نه سخن از دعوت ، نه سخن از بیعتی که یزید از او می‌خواهد و نه سخن از دعوتی که مردم کوفه از او کرده‌اند . نگاهی حتی گذرا به وقایعی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) در جامعه اسلامی پدید آمد و به قیام امام حسین (ع) منجر شد درستی کامل این

سخن را می‌رساند . از دیدگاه ما انحراف از نهضت انسان‌ساز اسلامی از تشکیل شورای سقیفه آغاز شد .

کلیدواژه : امام حسین (ع) ، قیام ، بیعت ، امر به معروف و نهی از منکر ، دعوت

مقدمه

باز این چه شورش است که در خلق عالم است	باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است	این صبح تیره باز دمید از کجا کزو
بی نفخ صور خواسته تا عرش اعظم است	گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کار جهان و خلق جهان جمله در هم است	گرخوانمش قیامت دنیا بعید نیست
کآشوب در تمام ذرات عالم است	
این رستخیز عالم که نامش محرم است	

(کلیم کاشانی)

امام حسین علیه السلام در سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمدند ، رسول خدا صلی الله علیه و آله نام آن فرزند را حسین نهاد . رسول خدا به او علاقه بسیار داشت و حتی درباره او فرمود : « حسینٌ مِنِّی وانا من حسین » ، حسین از من است و من از اویم . مفهوم بلندی که در این سخن نهفته ، آن است که وجود پیامبر و آیین مکتب او در وجود اباعبدالله (ع) تداوم یافته است . در تفسیر آیات فراوانی

همچون آیات تطهیر ، مباهله و آیه 23 سوره شوری به عظمت مقام امام حسین (ع) اشاره شده است .

منظور ما از طرح این مسأله مذکور این نیست که تا کنون هیچ کاری درباره ارزیابی فداکاری بی‌نظیر امام حسین (ع) برای نجات دادن ارزش‌های انسانی صورت نگرفته است ، بلکه مقصود ما این است که اهمیت حیاتی این موضوع که مساوی اهمیت حیاتی خود ارزش‌هاست ، اقتضا دارد که این موضوع بیش از این کارهایی که تاکنون درباره آن انجام شده است ، مورد بررسی و تحقیقات گوناگون قرار گیرد ، زیرا این حادثه بی‌نظیر - همان گونه که دارای ابعاد بی‌شمار است - همچنان تا انسان و انسانیت وجود دارد ، به عنوان مسأله روز پایدار خواهد ماند ، می‌باید تفسیر و تحلیل مشروح این جریان شگفت‌انگیز و توضیح کمال ارزش‌ها و پستی ضد ارزش‌ها در این جریان تبیین شود .

فصل اول

عقّاد می‌گوید : « اثمًا الحكم في صواب الحسين و خطئه لأمرين لا يختلفان باختلاف الزمان اصحاب السلطان ، و البواعث النفيسة التي تدور على طبيعة الانسان الباقية و النتائج المقررة التي مثلث للعيان باتفاق الاقوال »

عقّاد « علل و بواعث نفسی » را اینطور توضیح می‌دهد :

اولا : ملک یزید ثابت و محکم و پابرجا نبود (مثل ملک معاویه) به جهت اینکه تنها « مغيرة ابن شعبه » حاکم آن وقت کوفه که از حکومت عزل شده بود این پیشنهاد (ولایتعهدی یزید) را کرد و خود معاویه باور نمی‌کرد ، با «زیاد» مشورت کرد او هم صلاح ندید (لا اقل حاضراً) « مروان حکم » سخت مخالف بود و خودش طمع داشت و حتی در فکر شورش افتاد و بعد با ماهی هزار دینار برای خود و صد دینار برای دوستان قانع شد . «سعید پسر عثمان» از معاویه گله کرد که پدر و مادر و خود من از یزید و پدر و مادرش بهتر هستیم و بعد هم با دریافت

تند و خزانی را که برگلزار روح‌بخش اسلام وزیدن گرفته بود ، متذکر می‌شویم :

- * او با چشمان خود ، گرفتاری‌های بسیار سختی که برای پدر بزرگوارش علی ابن ابی طالب (ع) به وجود آورده بودند ، دیده بود این ناگواری‌ها هیچ علتی جز ریاست طلبی و هوسرانی و حسادت نداشت .
- * او سخنان پدر نازنین خود را که از دل پرهیجان و اندوهگین او سرمی‌کشید ، شنیده بود.
- * او هرگز نمی‌توانست این جمله را که « فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَّيْ ، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَاً . » (من تحمل کردم ، در حالی که خاشاک در چشمم و اندوه سخت در گلویم بود) ، فراموش کند.
- * او دیده بود که دروگر سیاست‌های ماکیاولی ، داس بُرّان بر دست ، بر سر عده‌ای از بهترین انسان‌های کمال یافته که اعضای وفادار مکتب پدر بزرگوارش بودند ، تاختن آورده ، آنها را درو کرد و از بین برد به عنوان مثال : او کشته شدن حُجر و یاران او را که از وارستگان و شایستگان جوامع اسلامی بودند ، با اینکه معاویه به آنها امان داده بود که آنان را نخواهد کشت اطلاع داشت . ناگواری و اندوه عمیق ناشی از مرگ این انسان‌های کمال یافته از یک طرف و این که سبب سازان این خسارت‌های غیر قابل جبران آنان را یک نبوغ و هنر زمامداری تلقی می‌کردند . از طرف دیگر برای شخصیتی مثل حسین (ع) بسیار شکنجه آور بود .
- * امام حسین (ع) شاهد ظلم‌ها و محنت‌ها و تعدّی‌هایی بود که به برادرش امام حسن مجتبی (ع) از طرف دنیاپرستان متجاوز وارد می‌شد . سختی‌های مصایبی که به این بزرگوار می‌رسید ، بسیار متنوع و فراوان بود .
- * پایمال شدن قوانین و ارزش‌های اسلامی با انواعی از مهارت‌ها و فریبکاری‌ها که مردم معمولی از درک آنها ناتوان بودند . لذا امام حسین (ع) نمی‌توانست برای آن مردم معمولی که اکثریت را تشکیل می‌دادند ، حقیقت امر را روشن بسازد و مکر و حيله‌پردازی‌های دغلبازان را به آنان تفهیم نماید و در نتیجه به قیام علیه معاویه اقدام کند . این همان علت بود که موجب شد امام حسن

مجتبی (ع) متارکه جنگ با معاویه را به مبارزه با او ترجیح دهد.²⁸

فصل هشتم

اهداف نهضت عاشورا

مقصود از هدف امام حسین (ع) در حادثه کربلا چیزی است که آن حضرت برای دست یافتن به آنها یا تحقق آنها هر چند در زمان‌های بعد، دست به آن قیام زد و در این راه، شهید شد.

فهرستی از این اهداف مقدس به این صورت است:

- 1- زنده کردن اسلام
- 2- آگاه ساختن مسلمانان و افشای ماهیت واقعی امویان
- 3- احیای سنت نبوی و سیره علوی (ع)
- 4- اصلاح جامعه و به حرکت درآوردن امت
- 5- از بین بردن سلطه استبدادی بنی امیه بر جهان اسلام
- 6- آزادسازی اراده ملت از محکومیت سلطه و زور
- 7- حاکم ساختن حق و نیرو بخشیدن به حق پرستان
- 8- تأمین قسط و عدل اجتماعی و اجرای قانون شرع
- 9- از بین بردن بدعتها و کج روی‌ها
- 10- تأسیس يك مکتب عالی تربیتی و شخصیت بخشیدن به جامعه.

این اهداف هم در اندیشه و عمل سیدالشهدا (ع) جلوه‌گر بود، هم در یاران و سربازان.²⁹

نتیجه :

1- به نظر من امروز پیام عاشورا از دیگر درسها و پیامهای عاشورا برای ما فوریتر است . ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمده که سر حسین ابن علی (ع) آقازاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین امیرالمومنین (ع) در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت مینشسته است گردانده شد و آب از آب تکان نخورد ببینیم چگونه از همان شهر افرادی آمدند به کربلا و او و اصحابش را با لب تشنه به شهادت رساندند و حرم امیرالمومنین را به اسارت گرفتند . حرف در این زمینه زیاد است من در پاسخ به این سوال يك آیه از قرآن را مطرح میکنم . قرآن درد و بیماری را به مسلمین معرفی کرده است . آن آیه این است که میفرماید : « فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا . » (سوره مریم / آیه 59) دو عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است : یکی دور شدن از ذکر خدا و معنویت و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و فراموش کردن توجه و ذکر و دعا و توسل و توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی ، و عامل دوم « اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ » است یعنی دنبال شهوترانی و هوسها و در يك جمله « دنیاطلبي » رفتن و به فکر جمعآوری ثروت و مال بودن و التذاذ و به دام شهوت دنیا افتادن و اصل دانستن اینها و فراموش کردن آرمانها . این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار شویم .

پي نوشتها

- 2- حماسه حسيني / ج 2 / مرتضي مطري / انتشارات صدرا / چاپ 52/ خرداد 1390/ صص 97-99
- 3- امام حسين (ع) و نهضت جاويد کربلا / محمود حکيمي/ انتشارات مهر / تابات تهران ، / چاپ اول / 1390/ ص 79
- 4- همان / ص 89
- 5- همان/ صص 90-93
- 6- سوره شعراء / آيه 151 و 152
- 7- امام حسين (ع) و نهضت جاويد کربلا / محمود حکيمي / همان / صص 96-99
- 8- همان / صص 187 و 188
- 9- عاشورا شناسي / پژوهشکده تحقيقات اسلامي / ناشر زمزم هدايت / چاپ 3/ زمستان 1387 / صص 345 و 348
- 10- عبرت هاي عاشورا ، احمد خاتمي/ موسسه بوستان کتاب / چاپ 5 / 1386 / ص 47
- 11- همان / ص 59
- 12- همان / ص 83
- 13- همان / صص 83 و 84
- 14- سوره مريم / آيه 59
- 15- عبرت هاي عاشورا/ همان صص 84-85
- 16- همان / صص 87-88
- 17- حماسه حسيني / ج 1 / مرتضي مطري / انتشارات صدرا / چاپ 76/ اسفند 1391/ ص 184
- 18- همان / ص 185
- 19- همان / صص 185-188
- 20- همان 188-189 و 192
- 21- همان / صص 192-193
- 22- همان / صص 194-195
- 23- همان / صص 197-200
- 24- سوره اعراف / آيه 157
- 25- سوره لقمان / آيه 17
- 26- آل عمران / آيه 104
- 27- سوره آل عمران / آيه 110
- 28- مفاتيح الحياه/ جوادي آملی/ نشر اسراء / چاپ 11/ بهار 1391 / ص 507

- 29- امام حسین (ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت / محمد تقی جعفری / موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری / زمستان 1387 / صص 107-110
- 30- فرهنگ عاشورا / جواد محدثی / چاپ دانش قم / چاپ اول / اسفند 1374 / ص (آخرین مبحث)

فهرست منابع و مآخذ

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه (ترجمه استاد دشتی)
- 3- امام حسین (ع) و نهضت جاوید کربلا / محمود حکیمی / انتشارات مهر تابات تهران ، / چاپ اول / 1390
- 4- امام حسین (ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت / محمد تقی جعفری / موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری / (تدوین و تنظیم زنده یاد داریوش شاهین و علی جعفری ، تنظیمات واحد رایانه موسسه علامه جعفری) / چاپ اسکویی / چاپ نهم / زمستان 1387
- 5- حماسه حسینی / ج 1 / مرتضی مطری / انتشارات صدرا / چاپ 76 / اسفند 1391
- 6- حماسه حسینی / ج 2 / مرتضی مطری / انتشارات صدرا / چاپ 52 / خرداد 1390
- 7- عاشورا شناسی / تهیه کننده : پژوهشکده تحقیقات اسلامی / ناشر زمزم هدایت / چاپ 3 / زمستان 1387
- 8- عبرت‌های عاشورا ، احمد خاتمی / موسسه بوستان کتاب / چاپ 5 / 1386
- 9- فرهنگ عاشورا / جواد محدثی / چاپ دانش قم / چاپ اول / اسفند 1374
- 10- مفاتیح الحیاة / جواد آملی / تحقیق و تنظیم : محمد حسین فلاح زاده ، یدالله مقدسی ، کمال الدین عمادی و... / ویرایش و مشاوره علمی : علی اسلامی ، جواد محدثی و... / نشر اسراء / چاپ 11 / بهار 1391